گفت‌وگو با کلر ژوبرت، نویسنده فرانسوی که برای کودکان می‌نویسد

می‌خواهم داستان شهید سلیمانی را بنویسم

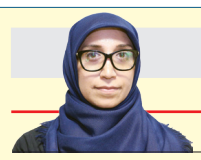

عاطفه جعفری
روزنامه‌نگار

هم‌سال ۹۶ و هم‌سال ۹۷ اسمش در پیاده‌روی اربعین بیشتر شنیده شد و کتاب‌هایش بین کودکانی که در پیاده‌روی اربعین آمده بودند، دست‌به‌دست می‌شد. زنی فرانسوی که ایرانی‌ها را خوب می‌شناسد و به‌قول خودش عاشق ایران است، کلر ژوبرت، نویسنده کودک و نوجوان در سال ۱۹۶۱ در پاریس متولد شد، مادرش پزشک بود و پدرش نقاش. او دوران کودکی خود را در پاریس گذراند. در همان سال‌های ابتدایی انقلاب اسلامی و در ۱۹ سالگی مسلمان می‌شود و از سال ۱۳۶۲ با همسرش که ایرانی است، ساکن ایران می‌شوند. خودش درباره مسلمان شدن و بعد هم آمدن به ایران گفت: «وقتی مسلمان شدم، فکر نمی‌کردم روزی سر از ایران در بیاورم، ولی کمی بعد با یک دانشجوی ایرانی ازدواج کردم و پس از مدتی به ایران آمدیم و ساکن اینجا شدیم. مردم ایران را دوست دارم و از اینکه همزمان با دو فرهنگ و دو زبان متفاوت درکنار هم زندگی می‌کنیم، واقعا خوشحالم. زبان فارسی را خیلی دوست دارم و برای یادگیری آن انگیزه قوی داشتم. انگیزه داشتن، یادگیری را آسان می‌کند.»

او لیسانس علوم تربیتی، فوق‌لیسانس ادبیات کودک (از راه دور از دانشگاه «لومان» فرانسه) و تحصیلات حوزوی (سطح دو) را دارد. از کودکی به کتاب خواندن و نقاشی علاقه داشت. به گفته خودش به داستان‌های کوتاه و رمان علاقه دارد و همچنین علاقه زیادی به مطالعه کتاب‌های روانشناسی کاربردی، نقد داستان، عرفان عملی، خاطرات و البته کتاب‌های تصویری کودکان دارد. اما از وقتی که مادر شده همه‌چیز برایش متفاوت است، می‌خواست کودکانش را به کتاب علاقه‌مند کند، پس به نوشتن ادبیات کودک علاقه زیادی پیدا کرد. ژوبرت درمورد نحوه ورودش به دنیای قصه‌سازی برای بچه‌ها گفت: «بچه‌هایم وقت و بی‌وقت از من قصه می‌خواستند و خیلی پیش می‌آمد که مجبور می‌شدم خودم قصه بسازم. این شد که کم‌کم شروع به نوشتن کردم.» از این زمان بود که کلر ژوبرت نوشتن و تصویرگری برای کودکان را شروع کرد. یکی از ویژگی‌های آثار او در این است که مخاطب هنگام خرید کتاب می‌داند سن او برای نویسنده از قبل مشخص‌شده است. این کتاب‌ها درعین‌حال می‌توانند برای کودکان گروه‌های سنی دیگر هم دلنشین باشد. او درباره اینکه چرا کتاب‌هایش را با این سبک می‌نویسد که برای همه سنین جذابیت داشته باشد، گفت: «به‌هرحال در هر خواننده نوجوان یا بزرگسال هم یک کودک نهفته است. خودم از خواندن بعضی داستان‌هایی که مخاطب اصلی آن خردسال یا کودک است، خیلی لذت می‌برم.»

داستان‌های ژوبرت در ایران، لبنان و فرانسه منتشر می‌شوند. او علاوه‌بر نوشتن و تصویرگری کار ترجمه هم انجام می‌دهد؛ سوژه‌های جالبی برای کتاب‌هایش انتخاب می‌کند، حتما تربیت کودک آن هم تربیت درست برایش بسیار معنا دارد، او درباره انتخاب سوژه‌هایش گفت: «هر ایده به‌ظاهر کوچک می‌تواند تبدیل به داستان بزرگی شود و هنگامی که می‌نویسیم، فرصتی برای ایده‌پردازی، فراگیری و بازنگری در اندیشه‌هایمان فراهم می‌کنیم. ادبیات بستر مناسبی برای آموزش و انتقال مفاهیم دینی و اسلامی به کودکان است.» در روزگاری که کتاب کودک به ترجمه‌های دسته‌چندم خارجی بسنده می‌کند و از آن چیزی که باید برای کودکان‌مان بگوییم، فاصله گرفته‌ایم خواندن کتاب‌های کلر ژوبرت می‌تواند برای بچه‌ها جذاب و دوست‌داشتنی باشد. یکی دیگر از ویژگی‌های کتاب‌های ژوبرت این است که در داستان‌هایش به زبان ساده جواب سوال‌های کودکان را درباره مفاهیمی همچون خدا می‌دهد و سعی می‌کند کنجکاوی‌های معمول کودکان را جواب بدهد. این مساله هم شاید به مسلمان شدن خودش مربوط باشد، او گفت: «از نظر من ارتباط با خدا خیلی شیرین است، اسلام به ما کمک می‌کند در تک‌تک لحظات زندگی به خدا فکر کنیم و زندگی دینی داشته باشیم و این در دین مسیحیت وجود ندارد، ما در اسلام وضو، نماز، روزه و دعا را داریم و حتی در کلام مسلمان‌ها نیز یاد خدا را دائما می‌بینید و از این رو احساس می‌کنید خداوند همیشه پیش شماست. مسیحیت امروز که دین در آن بسیار تحریف شده، تصور می‌کند خداوند از زندگی آنها کنار رفته و در زندگی‌شان خداوند حضور ندارد.»

قرار است در یازدهمین جشنواره عمار از او تقدیر شود و همین مساله بهانه‌ای شد تا سراغش برویم و سوالات‌مان را از او بپرسیم. با همان مهربانی و آرامشی که از او سراغ داشتیم، جوابگوی سوالات شده است.

تصوری غالب بین نویسندگان و ناشران وجود دارد که تولید محتوا و قصه‌پردازی برای کودک و نوجوان سخت است. چه شد شما سراغ قصه‌گویی و داستان‌نویسی در حوزه ادبیات کودک رفتید؟

داستان‌نویسی را با ادبیات کودک شروع کردم و آنقدر فضای داستان کودک را دوست دارم که تصمیم گرفتم تمام نیرویم را به آن اختصاص دهم.

شاید مثل خیلی از آدم‌ها، از دوران کودکی آرزو داشتم نویسنده شوم، اما تصور کردم که استعدادش را ندارم. برای همین داستان‌نویسی را خیلی دیر شروع کردم، زمانی که مادر شدم و همراه فرزندانم، ادبیات کودک را کشف کردم. آن‌وقت متوجه شدم که داستان کودک چقدر خوب می‌تواند مفاهیم مختلفی را برای بچه‌ها ملموس و قابل‌درک کند و در عین سادگی و اختصار، مطالب عمیقی را منتقل کند. به‌مرور زمان شهامت نوشتن داستان را پیدا کردم و همزمان تصویرگری را شروع کردم.

نوشتن برای بچه‌ها واقعا سخت است، چون مسائل زیادی را باید رعایت کنیم و مدام خصوصیات مخاطب را در نظر داشته باشیم. محدودیت‌های زیادی پیش روی نویسنده ادبیات کودک قرار دارند، ولی با این محدودیت‌ها انس گرفته‌ام و دوست‌شان دارم و تا جایی که بتوانم راجع به روانشناسی کودک، نقد داستان و... مطالعه کنم، داستان‌هایم را بارها و بارها اصلاح می‌کنم و قبل و بعد از چاپ از بچه‌ها و مادران بازتاب می‌گیرم تا بتوانم داستان‌های بهتری را ارائه دهم.

چطور سراغ سوژه‌هایتان می‌روید و آنها را انتخاب می‌کنید؟

زندگی روزمره پر از ایده‌های داستان است و نویسنده یاد می‌گیرد به جزئی‌ترین مسائل دقت کند، با این پیش‌فرض که شاید قابلیت تبدیل شدن به مضمون داستان داشته باشد. از طرف دیگر اینترنت منبع غنی و گسترده‌ای است برای پیدا کردن موضوعات مناسب کودکان، مثلا از طریق سایت‌های مشاوره والدین یا موارد مربوط به مسائل اجتماعی، دینی، محیط‌زیستی، مهارت‌های زندگی و... .

سوژه‌های مهم و ارزشمند برای نوشتن داستان کودک فراوانند اما ترجیح می‌دهم به مسائل دینی، اخلاقی و مهارتی بپردازم. ایده‌های زیادی را یادداشت کرده‌ام و معمولا یک عامل بیرونی مانند سوال یک کودک یا پیشنهاد یک ناشر باعث می‌شود یکی از این ایده‌ها را انتخاب کنم و به آن بپردازم.

قصه و داستان تاثیر مستقیمی در شکل‌گیری شخصیت کودک دارد، این مساله را چطور در کتاب‌هایتان لحاظ می‌کنید؟

این مساله را خیلی خوب می‌دانم و خودم در کودکی تاثیر زیادی از کتاب‌هایی که می‌خواندم گرفتم. مسئولیت بسیار سنگینی را ایجاد می‌کند و تمام سعی‌ام را می‌کنم تا مطالبی را بیان نکنم که شاید تاثیر منفی داشته باشند. خیلی مواظبم که چه پیام‌هایی را از طریق عملکرد شخصیت‌ها و گفتارشان منتقل می‌کنم و حواسم به پیام‌های ضمنی هم هست، یعنی پیام‌های جزئی و گاهی نامحسوسی که ناخواسته در داستان ایجاد می‌شوند. تا جایی که بتوانم، سعی می‌کنم سوالات فرضی بچه‌ها در مواجهه با داستان را حدس بزنم و مطالب گیج‌کننده، منحرف‌کننده یا نامطلوب را حذف کنم اما مصون از خطا نیستم و به این خاطر خیلی برایم مهم است که قبل از چاپ داستان از تعدادی مادر و کودک نظر بخواهم.

شما از دل فرهنگ کشور دیگری وارد ایران شدید، آیا در این مدتی که در ایران بودید به زبان فرانسوی هم کتاب منتشر کرده‌اید؟

وقتی نوشتن برای کودکان را شروع کردم، به هر دو زبان می‌نوشتم، به‌خصوص اینکه در گام اول برای فرزندان خودم می‌نوشتم و طبیعتا به زبان فرانسه با آنها حرف می‌زدم. چند سال به همان روال ادامه دادم و چند کتاب به زبان فرانسه منتشر شد. اما کم‌کم با فاصله گرفتن از شناختی که از بچه‌های فرانسوی داشتم، نوشتن به زبان فارسی غلبه پیدا کرد. الان سال‌هاست که در ایران زندگی می‌کنم و بچه‌های ایرانی را خیلی بیشتر می‌شناسم. درضمن می‌توانم برای داستان‌های فارسی‌ام نظرسنجی کنم، در صورتی که چنین امکانی را در فرانسه ندارم. اما برای من خیلی مهم است که گه‌گاهی هم به زبان مادری خودم بنویسم.

این روزها آمار حوزه نشر بسیار روی این مساله تاکید می‌کند که کتاب‌های حوزه کودک و نوجوان بیشتر ترجمه هستند و در حوزه تالیف آثار کمتری را شاهد هستیم، این مساله مطمئنا در درازمدت می‌تواند روی تربیت کودکان تاثیرگذار باشد، کمی در مورد این موضوع صحبت کنید که نظرتان در مورد ترجمه‌های بی‌رویه حوزه کودک چیست؟

اینکه در حوزه تالیف کار بسیار کمی انجام می‌شود، حرف درستی نیست، منصفانه هم نیست. اما از لحاظ آماری بله، درصد چشمگیری از کتاب‌های کودک و نوجوان ترجمه هستند. یکی از علت‌های اصلی این پدیده، نپرداختن حق کپی‌رایت به ناشر خارجی توسط خیلی از ناشران ایرانی است. در نتیجه، چاپ کتاب ترجمه هزینه‌های کمتری دارد و روند ساده‌تری هم دارد، چون تصاویر آماده‌اند. حضور کتاب‌های ترجمه مناسب، بچه‌ها را با فرهنگ‌های مختلف آشنا می‌کند و باعث تنوع بیشتری در بازار نشر می‌شود. اما خیلی مهم است که محتوای این کتاب‌ها در تناقض با فرهنگی بومی و هویت دینی نباشند و تعدادشان نسبت به کتاب‌های تالیفی تعدیل شود. در غیر این صورت قطعا تاثیر منفی و مخرب بر رشد شخصیت کودکان و نوجوانان می‌گذارد.

با توجه به اینکه نسل‌های جدید بسیار باهوش هستند و با توجه به گستردگی فضای مجازی و در دسترس قرار گرفتن همه‌چیز برای کودکان، کمی هم از سختی‌های نوشتن برای کودکان بگویید.

باهوش‌تر بودن مخاطب، نوشتن را سخت‌تر نمی‌کند، چون یکی از عواملی که نوشتن برای کودکان را دشوار می‌کند، محدودیت‌های مربوط به سطح درک و تجربه آنهاست. اما بچه‌های امروز از هر طرف جذب می‌شوند و اطلاعات دریافت می‌کنند و به این خاطر، جلب کردن توجه‌شان و نگه داشتن آنها سخت‌تر از قبل شده است. بچه‌ها مقداری هم بی‌حوصله و راحت‌طلب‌تر شده‌اند، بنابراین کتاب‌ها باید آنقدر جذاب باشند، هم از نظر محتوا، هم از لحاظ ظاهری تا بتوانند رغبت خواندن ایجاد کنند و با سرگرمی‌های نوین هم رقابت کنند.

یک مساله خیلی مهم در کتاب‌های کودک، تصویرگری آن است که چندسالی است در ایران هم جدی گرفته می‌شود، شما چقدر این مساله را جدی می‌دانید و به نظرتان چقدر تصویرگری مهم است؟

تصاویر در کتاب کودک اولین چیزی است که به چشم می‌آید و عامل کلیدی در انتخاب کتاب توسط بچه‌ها و حتی بزرگ‌ترهاست. از طرف دیگر اگر ارتباط تعاملی با متن داشته باشند، مقداری از بار روایت را برعهده می‌گیرند و نقش مهمی در جذاب‌تر و واضح‌ترشدن داستان دارند، اکثر داستان‌هایم را خودم تصویرگری می‌کنم و سعی می‌کنم تصاویرم مکمل متن باشند و شاد و گویا هم باشند.

تا به‌حال به این فکر کرده‌اید که یک کتاب در حوزه کودک با موضوع سردار سلیمانی بنویسید و در فرانسه منتشر کنید؟

بلافاصله پس از شهادت سردار به این فکر افتادم که داستان بنویسم، به‌خصوص به‌خاطر درگیر شدن تعداد زیادی از کودکان با این موضوع از طریق رسانه‌ها. مقداری روی این موضوع کار کردم و ذهنم با این مساله خیلی درگیر شد که کدام بُعد از شهادت را می‌توان برای بچه‌ها بیان کرد، بدون ایجاد نگرانی و حس ناامنی. اما هنوز به‌نتیجه نرسیدم و با اینکه چیزهایی را نوشتم، هنوز نتوانستم داستانی را شکل بدهم.

اگر روزی موفق شوم چنین داستانی را برای کودکان ایرانی بنویسم، شاید بعدش به این فکر بیفتم که آن را برای کودکان فرانسه مناسب‌سازی کنم اما کار خیلی سخت و حساسی خواهد بود.

درحال‌حاضر مشغول چه کاری هستید و آیا کتاب زیرچاپ هم دارید؟

همیشه چند داستان در دست دارم که هم‌زمان روی آنها کار می‌کنم، چون داستان‌ها با اینکه حجم کمی دارند، معمولا به‌مرور زمان شکل می‌گیرند. درحال نوشتن یک‌سری داستان خیلی کوتاه راجع به امام زمان(عج) بر اساس پرسش‌های بچه‌ها هستم و داستانی راجع به ماه رمضان و تعدادی داستان دیگر و مشغول تصویرگری یک داستان برگرفته از کودکی شهید مطهری. یک کتاب راجع به حضرت زهرا(س) هم زیرچاپ دارم که امیدوارم هم‌زمان با عید میلادشان منتشر شود، ان‌شاءالله.

در جست‌وجوی خدا

کلر ژوبرت همیشه سعی کرده است از خدا بنویسد و این نوشتن از خدا انگار برایش به یک عادت خوب تبدیل شده، کاری که او انجام می‌دهد این است که خدا را در نوشته‌هایش برای کودکان درست تعریف می‌کند و همین باعث پرفروش شدن کتاب‌هایش می‌شود. کتاب «در جست‌وجوی خدا» یکی از همین کتاب‌هاست که توسط کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر شده و بسیار هم مورد استقبال قرار گرفته است.

قصه مارمولک سبز کوچولو

نویسنده در این کتاب مصور که برای گروه سنی «ب» تالیف شده، داستان مارمولکی را بازگو می‌کند که از آنچه خداوند به او داده راضی نیست. او با دیدن پرنده‌ای آرزوی پرواز می‌کند. پرنده او را بر پشت خود سوار کرده و به پرواز درمی‌آید اما مارمولک کوچولو سرش گیج می‌رود و پی می‌برد که پرواز کار او نیست. این‌بار با دیدن ماهی آرزوی شنا می‌کند و...

کلوچه‌های خدا

کتاب «کلوچه‌های خدا»، داستان یک خرس کوچولو است که تصمیم دارد از خدا به‌خاطر همه زیبایی‌هایی که خلق کرده تشکر کند، اما نمی‌داند چگونه این کار را انجام دهد. او بعد از مشورت با حیوانات جنگل به توصیه کلاغ گوش می‌دهد و تصمیم می‌گیرد هفت کلوچه خوشمزه درست کند تا برای خدا هدیه ببرد. اما در راه به حیوانات گرسنه زیادی برخورد می‌کند و کلوچه‌ها را بین آنها تقسیم می‌کند و با دعاهای آنان احساس لذت و رضایت می‌کند. خرس کوچولو به این نتیجه می‌رسد که رضایت خدا باعث رضایت او هم شده است.

امین‌ترین دوست

ادبیات کودکان، از جمله حساس‌ترین ادبیات‌ها بوده و ظرافت‌هایی که باید در آن به‌کار برود تا با روح پاک کودک و ذهن مستعد او ارتباط برقرار کند، بسیار حائز اهمیت است. از این دست ظرافت‌ها می‌توان به سبک قصه‌گویی، محتوای داستان، شخصیت‌پردازی و فضای قصه اشاره کرد. اما یکی از مهم‌ترین مواردی که کودک را به‌سمت کتابی می‌کشاند و برای بار اول او را به خود جلب می‌کند، تصویرپردازی و شکل‌هایی است که در صفحات و جلد کتاب می‌بینند.

دنیای کودکان به‌شدت به تصویر و رنگ وابسته است و هر چه تصاویر از رنگ و لعاب زیباتری برخوردار باشند، اشتیاق کودک برای رفتن به سمت آن کتاب هم بیشتر است.

لبخند ادواردو

کتاب «لبخند ادواردو» قصه‌ای است کودکانه درباره شهید ادواردو آنیلی که با تصویرگری مرضیه صادقی به چاپ رسیده است.

ادواردو، فرزند سناتور آنیلی، شخصیت مطرح و بانفوذ ایتالیا بود که پس از اینکه مسلمان شد و با تهدید و فشارهای بسیار، حاضر به تغییر عقیده خود نشد و در نهایت او را به شهادت رساندند.

لینالونا

«لینالونا» در قالب داستانی تخیلی ماجرای دختربچه‌ای را بیان می‌کند که با آدم کوچولویی آشنا می‌شود که وسط جنگل کاج زندگی می‌کند و موهایی آبی‌رنگ دارد. دختربچه کم‌کم با او دوست می‌شود.

اثر حاضر داستان فانتزی-دینی است که برای کودکان گروه سنی «ب» منتشر شده است.